

در این کتاب

می شود آنچه جریبل گفته یا در خدمت و کما هست به بعضی می روی
بی آید و با من سخن میگوید و حفظ میکنم عايشه رضي الله عنها روايت
کند که در روز سماء سخت دیدم که وحي بر حضرت رسالت صلاوات الله
وسلامه عليه نازل شده بود و چون منجلی شد از پیشانی مبارک
او عرق میریخت و در صحیفه در حدیث یطی بن ائمه آمده که با عرق
رضی الله عنها گفت میگویم که در زمان نزول وحي حضرت رسالت را
عليه الصلوة والسلام به چشم و در جگر آن شخصی از آن حضرت سوالی
کرد و وحي منزل شد و عراشانه کرد تا بجلی پایا و دیدید و از
زبان مبارک او فرمودی شنویم و روی متور و سرخ بود و در مسند
احمد این عباس رضي الله عنها روايت کند که حضرت رسالت صلاوات
الله وسلامه عليه در خانه کعبه نشسته بود و عثمان بن مظعون
آمد و نوازشی کرد و تغییر علیه الصلوة والسلام فرمود که با ما نشین
و بنشینت و در مکالمه بودند تا که رسول خدای صلی الله علیه
وسلم نظیر آسمان کرد و بر سویی زمین فرو آورد تا به جانب راست
خود که دید و از من اعراض کرد و همچون کسی که علم آموزد بسند
اشان را میکرد و بعد از زبانی هم بران طریق نظیر آسمان کرد
و آنکه متوجع من شد عثمان گفت یا محمد هرگز ترا بدین تعب ندیدم
فرمود که چون دیدی و شرح بکنند فرمود که تو آن صورت مشاهده
کردی گفت اری فرمود که رسولی از حضرت حق آمد بود

در حدیث

تکسر الیم المجرع والعین
المهمله وبتشديد الواو
المهمله اسم موضع من

المنتم کردن
بر کسی مکن

ما یسر والانشاء الزنا و
ابن النظم کورس

و بخانی آورد و گفت چه بود فرمود که آن الله یا قریب العول والاحسان
و انشاء حق القسری و نهی عن الخشاء و الشکر و البی یوظم
الحکم تکررون عثمان گفت ایمان از آن رسول من تو را گفت و محمد
را دوست داشتیم و قوی آنست که در زمان وحي از غلبه آن
جسد مبارک رسول صلی الله علیه وسلم سبکی شد و در حدیثی
معتبر آمده که حضرت رسالت صلاوات الله وسلامه عليه بنا قری
سوار بود و وحي نازل شد و في الحال ناقه مجسید و گردن بر زمین
نهاد و هیچ حرکتی نتوانست کرد و عثمان رضي الله عنه آیه را
العاذرون نام نوشت و آن حضرت رسالت صلاوات الله وسلامه
عليه بران ایو بود و این لم مکتم یا نبیا آمد و گفت یا رسول الله عمر
من ظاهر است و في الحال غیر اونی الضور نازل شد و عثمان گفت
تزوید بود و آن من شکسته شدی این آردی و وحي روايت کند
که حضرت رسالت صلاوات الله وسلامه عليه را دیدم که وحي بر وی آمده
بود و او بر ناقه سوار و ناقه دست و ولا میکرد و فریاد میداد
تا کان بر دم که دست ناقه خواهر شکست و قصد سخن می نمود
و به تجلد بازی ایستاد و عرق از پیشانی مبارک او میریخت و در حدیثی
معتبر آنست که چون وحي منزل شد حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام
از آن عالم میکشست و چند زمان صراع داشت و بر پشت یزد
هر از نبضه شیا طبع بشهید بکم کرده و پیش از آن طاعت حق

المنوع دور
مصادر

الرجم از اهل
مصادر

المنوع دور
مصادر